روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

سه‌شنبه | ۱۶ خرداد ۱۴۰۲ | ۱۷ ذیقعده ۱۴۴۴ | ۶ ژوئن ۲۰۲۳ | سال پانزدهم | شماره ۳۷۷۶ | ۸ صفحه | ۳۰۰۰ تومان

۱۱۸۴ سال و ۲۴۴ روز گذشت

VATAN-E-EMROOZ | VOL.15 | NO.3776 | TUE.JUN.06, 2023 | ISSN:2008-2886

پیش‌بینی کاهشی شدن قیمت دلار در بازار غیررسمی تحت تأثیر اخبار مثبت بین‌المللی

دلار وارد کانال ۴۰ هزار تومان می‌شود؟

صفحه ۳

اولین مدال طلای مسابقات جهانی تکواندوی زنان ایران را ناهیدکیانی گرفت

ناهید ستاره شد

■ فرزانه فصیحی قهرمان رقابت‌های دوی ۱۰۰ متر شد

صفحه ۶

رهبر انقلاب در مراسم سی و چهارمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره):
هر کسی و هر مجموعه و جریانی که به «ایران، منافع ملی، بهبود اوضاع اقتصادی، پیشرفت کشور و عزت ملی» علاقه‌مند است، باید همه سعی خود را در تقویت «ایمان» و «امید» مردم به کار گیرد

امام ایمان و امید

تأملی بر بیانات رهبر انقلاب پیرامون ضرورت تقویت نگاه امیدوارانه به افق پیش روی کشور؛ با یادداشت‌هایی از حجج اسلام سیدمحمد حسین هاشمیان و سیدمحمدحسین راجی

صفحات ۵و۲

عکس: khamenei.ir

تجربه امتیازدهی به غرب و دستاورد هیچ!

یادداشت

روح‌الله اژدری: دشمنی استکبار غرب با ملت ایران با تغییر موضع موردی از بین نخواهد رفت. فهم این موضوع منوط به شناخت ماهیت و روحیه مستکبرین عالم است. دنیای استکبار عقب‌نشینی در مقابل خود را به ضعف تعبیر و تلاش می‌کند طرف مقابل را بیشتر تخریب، کوچک و به تسلیم وادار کند، لذا عقب‌نشینی، موجب نمی‌شود مستکبر تغییر کند. یکی از نکات مهمی که مقام معظم رهبری در مراسم بزرگداشت حضرت امام خمینی(ره) در ۱۴ خرداد ۱۴۰۲ بیان فرمودند مساله عقب‌نشینی و امتیاز دادن به دشمن توسط برخی دولت‌های چند دهه گذشته بود. «در برخی دولت‌های این چند دهه، بودند کسانی که عقیده‌شان این بود باید در یک مواردی امتیاز بدهیم به طرف مقابل، به جبهه مقابل امتیاز بدهیم. یک مقدار عقب‌نشینی بکنیم. در یکی از دولت‌ها رئیس‌جمهور ما را به دادگاه غیابی کشاندند. برای رئیس‌جمهور ایران کیفرخواست در دادگاه صادر کردند. در یکی از دولت‌ها که متاسفانه گویا کمک هم به آمریکایی‌ها شده بود، ایران را محور شرارت نامیدند. اینها به این عقب‌نشینی‌ها راضی نمی‌شوند».

در چند دهه گذشته دولت‌های اصلاح‌طلب و غرب‌گرا از گفتمان گفت‌وگو و مصالحه با غرب و آمریکا سخن گفته‌اند و برای مصالحه با غرب و آمریکا امتیازاتی را به آنها داده و با آنها همکاری‌هایی کرده‌اند تا بتوانند به تعبیر خود قفل رابطه با آمریکا را بشکنند اما هر بار روحیه مستکبرانه غربی‌ها موجب شده است که این عاشقان رابطه با آمریکا با شکستی سهمگین مواجه شوند. جالب است که این‌گونه تلاش برای مذاکره و امتیاز دادن به آمریکا توسط جریان اصلاح‌طلب و دولت‌های منسوب به آنها انجام شده و هر بار به‌رغم چشیدن طعم تلخ بی‌تعهدی آمریکایی‌ها، باز هم همان راه را دنبال می‌کنند.

اولین دولتی که در زمینه همکاری و امتیازدهی به آمریکایی‌ها پیشقدم شد دولت مرحوم هاشمی‌رفسنجانی بود. دولت او در جریان آزادسازی گروگان‌های غربی در لبنان تلاش بسیاری کرد، به گمان اینکه بتوانند با این همکاری نظر مقامات غربی و آمریکایی‌ها را جلب و قفل رابطه را بشکنند. این همکاری با درخواست جرج بوش، رئیس‌جمهور آمریکا با ارسال پیام «حسن نیت، حسن نیت به دنبال دارد» آغاز شد. هاشمی‌رفسنجانی، حسین موسویان، دکتر ولایتی، دکتر محمدجواد ظریف و محمود واعظی عهده‌دار آزادی گروگان‌های غربی شدند. مرحوم هاشمی‌رفسنجانی بر این باور بود «حسن نیت در برابر حسن نیت» نقطه شروع مناسبی برای پل زدن روی همه مشکلات گذشته بین ایران و آمریکا و بنیان نهادن اقدامات اعتمادآفرین است که به صلحی دائم با ایالات‌متحده منجر خواهد شد. انتظار رفسنجانی این بود که در مقابل اقدام ایران در آزادی گروگان‌ها، دارایی‌های بلوکه‌شده ایران آزاد شود؛ در صورت آزادی این دارایی‌ها منابع حاصل از آن برای طرح‌های عظیم بازسازی ایران بسیار حیاتی بود. هاشمی‌رفسنجانی ابتدا شرایط معینی برای مذاکره بیان کرد، از جمله اینکه شیخ عبید، روحانی لبنانی و از فرماندهان مقاومت لبنان باید آزاد شود، همچنین دارایی‌های ایران باید آزاد و ایالات‌متحده در روشن شدن سرنوشت ۴ دیپلمات ربوده شده ایرانی یعنی احمد متوسلیان، محمدتقی رستگارمقدم، محسن موسوی و کاظم اخوان به ایران کمک کند. ۳ هفته بعد اما وی با یک عقب‌نشینی بزرگ برای یک دستاورد بسیار کوچک حاضر به همکاری با آمریکایی شد. وی پیشنهاد کرد در صورتی که آمریکایی‌ها فقط ۱۰ درصد دارایی‌های ایران را آزاد کنند و غرامت هواپیمای مسافری را که توسط آمریکایی‌ها سرنگون شد به قربانیان بپردازند، فرآیند آزادسازی گروگان‌ها شروع خواهد شد. بالاخره با تعهد آمریکا و همکاری ایران، گروگان‌های آمریکایی اردیبهشت ۱۳۶۹ آزاد شدند و نقش ایران در آزادسازی آنها در رسانه‌های بین‌المللی پررنگ شد. در مقابل عکس‌العمل رئیس‌جمهور آمریکا در این‌باره روباه‌صفتانه بود. او به طور کلی نقش ایران در این قضیه را نادیده گرفت و از حسن نیت در مقابل حسن نیت عقب‌نشینی مستکبرانه کرد و قولی را که به ایران داده بود از یاد برد. هاشمی‌رفسنجانی امید داشت با بزرگ کردن هر گونه اقدام متقابل از سوی آمریکا، کسانی را که با سیاست تنش‌زدایی او مخالفت می‌کردند، آرام کند و به فرآیند آشتی با آمریکا نیرویی دوباره بخشد اما بدقولی آمریکا همچون آب یخی بود که در دیدار معاون مدیرکل سازمان ملل در امور سیاسی «جیان دومینیکوپیکو» بر سر هاشمی‌رفسنجانی ریخته شد. آمریکایی این پیام را برای ایران توسط جیان دومینیکو فرستادند که «هیچ اقدام متقابلی در هیچ فرصت نزدیکی برای ایران انجام نخواهد شد».

دومین همکاری با آمریکایی‌ها توسط دولت محمد خاتمی در قضیه حمله آمریکا به افغانستان و شکست طالبان رقم خورد. دولت اصلاحات این مذاکرات را به صورت محرمانه انجام داد و تلاش داشت دور از چشم رهبری این مذاکرات به نتیجه برسد. این همکاری‌ها نیز با نیت شکست قفل رابطه با آمریکا انجام شد. اشاره مقام معظم رهبری در مرقد امام خمینی با جمله «در یکی از دولت‌ها که متاسفانه گویا کمک هم به آمریکایی‌ها شده بود» به این همکاری‌ها، نشان می‌دهد این مذاکرات بدون اطلاع مقام معظم رهبری انجام شده است. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای برخلاف دولتمردان اصلاح‌طلب که قوه مجریه را در اختیار داشتند، مخالف همکاری ایران با آمریکا در قضیه افغانستان بودند و در این باره ۴ مهر ۸۰ درست ۲۰ روز قبل از حمله آمریکا به افغانستان می‌فرمایند: «نکته دیگر این است که اینها در اظهارات خود تکرار کردند که ایران در این قضیه باید به ما کمک‌های گوناگونی بکند. من تعجب می‌کنم که اینها چطور روی‌شان می‌شود از دولت جمهوری اسلامی و از ملت ایران تقاضای کمک کنند؟! ۲۳ سال است شما هرچه در توان داشتید، به این ملت و این کشور ضربه زدید؛ حال توقع دارید به شما کمک کنند؟! چه کمکی؟! اگر ملت افغانستان، ملت مسلمانی هم نبود، مظلوم هم نبود، همسایه ما هم نبود، این درخواست کمک بیجا بود؛ چه برسد به اینکه این ملت، ملت مظلوم و محرومی است. واقعاً دل انسان به حال ملت افغانستان می‌سوزد. توقع کمک از جمهوری اسلامی؟! نه؛ در حمله آمریکا و متحدانش به افغانستان، ما هیچ‌گونه کمکی نخواهیم کرد».

در آن زمان سردار شهید سلیمانی در افغانستان حضور فعالی در حمایت از مجاهدین افغان داشت ولی بر اساس دیدگاه مقام معظم رهبری، فاصله راهبردی با آمریکایی‌ها را حفظ می‌کرد. حرکت سردار سلیمانی منطبق بر دستورات فرمانده کل قوا بود و هرگز حضوری یا مکتوب با آمریکایی‌ها درباره افغانستان مذاکره نکرد اما جریانی که دولت را در اختیار داشت با سیاست به اصطلاح تنش‌زدایی در صدد نزدیک شدن به آمریکایی‌ها بود و به هر روش تلاش داشت نظر مساعد آنها را به خود معطوف دارد، لذا صحنه افغانستان را زمین و زمان مناسبی برای بهبود رابطه می‌دانستند و به همین خاطر هم حاضر بودند در زمینه‌های سیاسی و اطلاعاتی با آمریکایی‌ها همکاری کنند. به گمان نگارنده، جناب حسین موسویان و دکتر ظریف از دست‌اندرکاران این مذاکره باشند؛ کسانی که تجربه بدعهدی دشمنانه آمریکایی‌ها در قضیه آزادی گروگان‌ها را در حافظه دارند.

در جنگ افغانستان، ژنو مرکز مذاکرات بین نمایندگان دولت اصلاح‌طلب ایران و آمریکایی‌ها بود. در جریان مذاکرات دیپلمات‌های دولت خاتمی در ژنو با آمریکایی‌ها درباره مبارزه با طالبان در افغانستان مذاکره کردند. رایان کراکر در این مورد خاطره‌ای را نقل می‌کند: «من روز جمعه به ژنو پرواز کردم و یکشنبه برگشتم. بنابراین هیچ کس در دفتر نمی‌دانست من کجا بوده‌ام. ما تمام شب در آن جلسات بیدار بودیم و برای من واضح بود که دیپلمات‌های ایرانی در حال مذاکره و پاسخ دادن به سلیمانی بودند، که از او به عنوان حاج‌قاسم یاد می‌کردند».

به نظر می‌رسد دیپلمات‌های ایرانی در صدد کسب رضایت سردار سلیمانی برای همکاری بوده باشند اما روایت رایان کراکر، سفیر آمریکا نشان می‌دهد شهید سلیمانی در قضیه افغانستان هیچ‌گونه همکاری‌ای با آمریکایی‌ها انجام نداده است. با استناد به کتاب خاطرات رایان کراکر ۲ نفر از ۳ مذاکره‌کننده ایرانی درباره افغانستان با آمریکایی‌ها در آمریکا تحصیل کرده بودند و در وقت استراحت درباره تیم فوتبال دانشگاه یوسی‌ال‌ای صحبت می‌کردند. رایان کراکر در کتاب خاطرات خود مدعی می‌شود هیات ایرانی خواستار اشغال افغانستان از سوی آمریکا می‌شود. وی در این رابطه می‌نویسد: «اما آنچه برایم جالب‌تر از همه بود اشتیاق آنان نسبت به اعزام نیروهای آمریکا، همان شیطان بزرگ به حیاط خلوت ایران یعنی افغانستان بود».

رایان کراکر، معاون دستیار وزیر وقت خارجه آمریکا که تیم آمریکایی را در مذاکرات مزبور رهبری می‌کرد، در سخنرانی خود در بنیاد کارنگی، فضای حاکم بر جلسات مذاکره با دیپلمات‌های دولت خاتمی را اینگونه توصیف می‌کند: «در روزهای پیش از حمله (آمریکا به افغانستان) - یادتان هست که حملات هوایی اوایل اکتبر ۲۰۰۱ آغاز شد- حرف ایرانی‌ها این بود که شما چه اطلاعاتی لازم دارید که سر آنها را به سنگ بکوبید؟ شما آرایش جنگی آنها را می‌خواهید؟ نقشه‌اش اینجاست. می‌خواهید بدانید از نظر ما نقاط ضعف آنها کجاست؟ اینجا، اینجا و اینجا. اگر می‌خواهید بدانید آنها به حملات هوایی چگونه واکنش نشان می‌دهند از ما بپرسید، ما جوابش را داریم. این دوران بی‌سابقه‌ای در روابط ایران و آمریکا از زمان انقلاب بود. مذاکره بین ایرانی‌ها و آمریکایی‌ها بر سر موضوعی خاص که هر دو در آن منافع مشترک داشتند».

دیدگاه مقام معظم رهبری برخلاف دولت اصلاح‌طلب محمد خاتمی، مخالفت با حمله آمریکا به افغانستان، همکاری و مذاکره با آنها بود. ایشان با رد نظر کسانی که بر مذاکره و همکاری با آمریکا در آن واقعه تاکید داشتند، در دیدار مردم اصفهان در سال ۸۰ می‌فرمایند: «مذاکره با آمریکا - چه در قضایای کنونی و چه در مسائل دیگر - به معنای باز کردن باب توقعات و طلبکاری‌های آمریکاست. کسانی که دم از مذاکره می‌زنند - که البته سوءنیت ندارند، دچار غفلتند - توجه ندارند که مذاکره با آمریکا در هر یک از قضایایی که این دولت در آن برای خودش ایده و منفعتی تعریف کرده است - مثل همین قضیه افغانستان - هیچ فایده‌ای ندارد. چرا؟ چون او مستکبر است و تسلیم نمی‌شود.... الان هم ۲۳-۲۲ روز است که مرتب شهرها و مردم مظلوم افغانستان را می‌کوبند. اصرار داشتند ما را وارد این مناقشه کنند: فضای‌تان را بدهید و زمین‌تان را در اختیار بگذارید تا ما بتوانیم عبور کنیم! اگر دولت ایران از اول آن موضع قاطع را نمی‌گرفت، توقعات‌شان روزبه‌روز بیشتر می‌شد. یکی از هدف‌های آنها این بود که به توده‌های عظیمی که در سرتاسر دنیای اسلام برای ملت ایران و نظام اسلامی احترام قائلند، بگویند آنقدری هم که شما خیال می‌کنید، ایران به اصول اسلامی پایبند نیست. هدف دیگرشان این بود که برای مسلمان‌کشی مجوز کسب کنند. ملت افغانستان را قتل‌عام می‌کنند؛ چه مجوزی از این بهتر که بگویند ایران هم خبر دارد و با ما همراه است؟ ما اصرار ورزیدیم که مواضع خود را بدون هیچ‌گونه ابهامی برای دنیا بیان کنیم. من به مسؤولان کشور گفتم باید در موضع‌گیری‌ها هیچ‌گونه دوپهلویی وجود نداشته باشد. صریح و روشن باید بگویید ما با تروریسم مخالفیم؛ با حمله آمریکا به افغانستان هم مخالفیم؛ در هیچ ائتلافی هم که رهبر آن آمریکا باشد، شرکت نخواهیم کرد». سردار شهید سلیمانی نیز برخلاف اصلاح‌طلبان، تمایل آمریکا برای همکاری با ایران در قضیه افغانستان را نوعی تاکتیک مقطعی می‌دانستند که برای آمریکا منفعت داشت. حسین موسویان در این رابطه می‌گوید: «مذاکرات بین ایران و آمریکا حتی بعد از کنفرانس بن نیز ادامه پیدا کرد اما ناگهان، به معنای واقعی کلمه، بمبی منفجر شد. پرزیدنت بوش تنها چند هفته بعد از کنفرانس بن، همه ما را با قرار دادن ایران در «محور شرارت»، طی سخنان سالانه‌اش در ژانویه ۲۰۰۲، غرق حیرت کرد. بعد از یکی از جلسات شورای عالی امنیت ملی، قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس، با ابراز احساس ناگواری که نسبت به حرکت بوش، در پاسخ به کمک‌های پرارزش ایران، به او دست داده بود به من گفت: «از همان آغاز من این شک را داشتم که تقاضای آمریکا برای کمک تنها جنبه تاکتیکی داشته و هدف آنها یک همکاری درازمدت نیست». در پی سخنان بوش خاتمی به من گفت: «مطمئنم بوش میخ آخر را به تابوت رابطه ایران و آمریکا زد. من فکر می‌کنم بهبود روابط را، حداقل در دوران ریاست‌جمهوری من، باید از سر به در کرد».

تجربه بدعهدی آمریکایی‌ها در دولت گذشته ظاهرا هنوز برای عده‌ای عبرت‌آموز نیست.

منابع

۱- موسویان، حسین، ایران و آمریکا گذشته شکست خورده و مسیر آشتی، انتشارات تیسا، ۱۳۹۴

۲- روح‌الله اژدری، از قنات ملک تا بغداد، انتشارات موسسه فرهنگی - هنری قدر ولایت، ۱۴۰۱

تیترهای امروز

استقبال مصری‌ها از عملیات استشهادی سرباز ۲۲ ساله هموطن‌شان که منجر به هلاکت ۳ نظامی صهیونیست شد

هت‌تریک محمد صلاح

■ دیدار زیاد نخاله، دبیرکل جهاد اسلامی فلسطین با رئیس دستگاه اطلاعات مصر

صفحه ۷

افتتاح بیش از ۵ هزار واحد مسکونی نوسازی‌شده در بافت‌های فرسوده ۱۷ استان

شروع نهضت نوسازی

صفحه ۳

آژانس از مختومه شدن برخی پرونده‌های ادعایی علیه برنامه هسته‌ای ایران خبر داد

خار در چشم نتانیاهو

صفحه ۲

فرمانده نیروی دریایی ارتش: ائتلاف دریایی ایران با برخی کشورهای حاشیه خلیج فارس تشکیل می‌شود

خلیج فارس بدون آمریکا

صفحه ۲

نگاه

امت اسلامی؛ منظومه‌ای که باید تکمیل شود

نوید مؤمن: حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای رهبر حکیم انقلاب اسلامی در مراسم سی‌وچهارمین سالگرد رحلت حضرت امام خمینی رحمت‌الله علیه، به نکات ارزنده‌ای درباره نگاه کلان بنیانگذار کبیر جمهوری اسلامی نسبت به مقوله تحقق ایده امت اسلامی اشاره فرمودند:

«در سطح امت اسلام، امام بیداری اسلامی را در این سطح به وجود آوردند، امروز امت اسلامی نسبت به قبل از انقلاب تحرک بیشتری دارد. البته نیاز به تحرک بیشتر هم دارد. مساله فلسطین قرار بود به فراموشی سپرده شود که با حرکت امام راحل به مساله اول جهان اسلام تبدیل شد و امام در کالبد فلسطین جان تازه‌ای بخشیدند. امروز روز قدس نه‌تنها در کشورهای اسلامی که در کشورهای غیراسلامی گرامی داشته می‌شود».

واقعیت امر این است که امت واحد اسلامی در نگاه اعتقادی و متعاقبا مشی راهبردی امام راحل(ره) حکم یک «منظومه» را داشت نه «پروژه». به عبارت بهتر، حضرت امام خمینی(ره) سال‌ها قبل از تشکیل جمهوری اسلامی، این ایده مقدس را در ذهن پرورانده و راهکارها و مجاری عملیاتی‌سازی آن را نیز بارها در تعامل با بزرگان و شاگردان مستعد خویش مانند شهید مرتضی مطهری مرور فرموده بودند. امت واحده اسلامی، منبعث از نوعی نگاه مذهبی ـ تمدنی در منطقه است که در آن شاهد شکل‌گیری نوعی هارمونی و نظم راهبردی-تاکتیکی در راستای تحقق منافع جمعی جهان اسلام خواهیم بود. در تشریح بعد ماهوی این منظومه، با قاعده‌ای قرآنی و دینی به نام «نفی سبیل» مواجه هستیم. حضرت امام خمینی با استناد به اصل نفی سبیل و اتخاذ سیاست «نه شرقی نه غربی» روح استقلال را در کالبد انقلاب اسلامی ایران دمیدند. اصل نفی سبیل یکی از پویاترین اصول اسلامی محسوب می‌شود. بر اساس آیه شریفه «و لن یجعل‌الله للکافرین علی المومنین سبیلا» اساسا خداوند متعال راهی را برای سلطه کفار بر مسلمین قرار نداده است. در شرایطی که خداوند راهی را در این باره قرار نداده است، تمایل مسلمین به پذیرش سلطه کفار بر آنها یکی از اصلی‌ترین رموز درماندگی و استیصال آنها در طول تاریخ محسوب می‌شود. حضرت امام خمینی به عنوان رهبر و مصلحی مسلمان این نقطه آسیب را در ملت‌های اسلامی درک کردند و ندای استقلال‌طلبی‌شان را بر مبنای اصول الهی و اصل مترقی نفی سبیل استوار ساختند. تبلور و تثبیت قاعده «نفی سبیل» در کالبد جهان اسلام، به طور طبیعی منجر به ایجاد و تکمیل منظومه‌ای تحت عنوان «امت واحده اسلامی» خواهد شد.

ادامه در صفحه ۶